

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

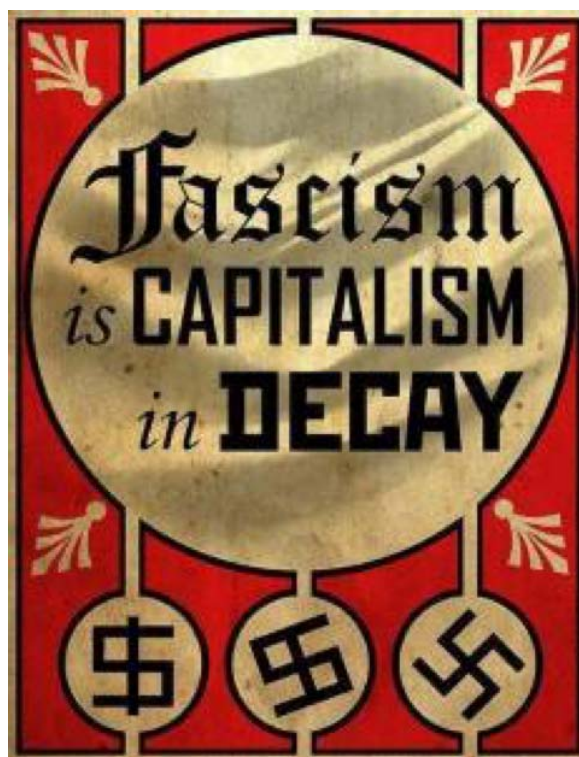
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سرمقاله گاردین (ارگان حزب کمونیست استرالیا)
برگردان از: آمادور نویدی
۲۹ جولای ۲۰۱۹

علیه فاشیسم و جنگ



در ۲ اگست ۱۹۳۵، جورجی دیمیتروف، گزارش خود **علیه فاشیسم و جنگ** را در کنگره هفتم کمونیست بین الملل قرائت نمود. دو سال پیش‌تر در المان، هیتلریسم به قدرت رسیده بود و تعرض وحشیانه خود را علیه طبقه کارگر المان به راه انداخته بود.

هیتلر مقاصد تهاجمی طبقه حاکم سرمایه داری المان و هدف سلطه جهانی آن‌ها را روشن ساخت. نازی‌ها توسط شرکت‌های بزرگ انحصاری و بانک‌ها حمایت می‌شدند، و نژادپرستی به سیاست رسمی دولت تبدیل گشت. رژیم نازی جهت توجیه اقدامات سرکوبگرانه خود، شروع به تحریک کرد و جورجی دیمیتروف به دلیل افشای بی باکانه خود از رهبران نازی در محاکمه ریشتاگ به یک شخصیت مشهور جهانی تبدیل شده بود.

گزارش دیمیتروف در صف آرائی مردم بسیاری از کشورها نسبت به خطر فاشیسم محبوبیت جهانی کسب کرده بود. مناسب است که ایده های اصلی این گزارش را یادآوری کنیم، نه فقط به خاطر ۸۴ مین سالگرد آن، بلکه همچنین به دلیل خطر گرایش‌های جدید فاشیستی در شماری از کشورها، از جمله استرالیا. ایده های این گزارش تا به امروز معتبر باقی مانده اند.

سخنرانی دیمیتروف، که به نمایندگی از طرف کمیته اجرائی کمونیست بین الملل ارائه شد، فاشیسم را به عنوان «دیکتاتوری تروریستی آشکار ارتجاعی ترین، شوینیست ترین و امپریالیستی ترین عناصر سرمایه مالی» توصیف نمود.

او گفت: «فاشیسم به عنوان جریانی که با حمله به جنبش انقلابی پرولتاریا و بر توده های مردمی که در حال نآرامی هستند، به قدرت می‌رسد؛ با این حال، ورود خود به قدرت را به عنوان یک جنبش انقلابی علیه بورژوازی به نمایندگی از تمام ملت و برای نجات این ملت به مرحله اجراء در می آورد.»

با این حال، «فاشیسم وحشی ترین حمله سرمایه علیه توده های زحمتکش است»؛ این «واکنش خشمگین و ضدانقلابی» و «بی‌رحم ترین دشمن طبقه کارگر و همه زحمتکشان است.» دیمیتروف هشدار داد که «هرکسی که با اقدامات ارتجاعی بورژوازی و رشد فاشیسم در این مراحل مقدماتی مبارزه نکند، در موقعیتی نیست که از پیروزی فاشیسم جلوگیری نماید، بلکه به عکس، پیروزی آن را آسان می‌سازد.»

این گزارش پرسید: «آیا می‌توان جلوی پیروزی فاشیست را گرفت؟» دیمیتروف پاسخ داد: «آری!»، و گفت:

اول، این بستگی دارد به فعالیت ستیزه گرانه طبقه کارگر، در جنگ متحد خویش علیه حمله سرمایه داری.

دوم، این بستگی دارد به وجود یک حزب انقلابی قدرتمند، که بدرستی مبارزه مردم زحمتکش را علیه فاشیسم رهبری کند.

سوم، این بستگی دارد به سیاست درست طبقه کارگر که روشی صبورانه نسبت به اقشار متوسط مانند کشاورزهای غیرانحصاری، متخصصان، روشن‌فکران و شاغلان مستقل اتخاذ کند و اعتماد آن‌ها را در مبارزه علیه فاشیسم جلب کند.

چهارم، این بستگی دارد به این‌که طبقه کارگری که از نظر سیاسی آگاه است، در زمان مناسب هوشیارانه عمل کند.

دیمیتروف گفت: «نباید به فاشیسم اجازه داد که طبقه کارگر را ناآگاه سازد و طبقه کارگر نباید ابتکار عمل را به فاشیسم تسلیم نماید و باید قبل از این‌که فاشیسم نیرو جمع آوری کند، به او ضربه زند.»

جبهه متحد از طبقه کارگر، وحدت عمل کارگران در هر کارخانه، در هر حوزه، در هر منطقه، در هر کشوری، و در سراسر جهان اساسی‌ترین است.

«حتی قبل از این‌که اکثریت طبقه کارگر در مبارزه جهت سرنگونی سرمایه داری و پیروزی انقلاب پرولتری متحد شود، برپائی اتحاد عمل همه بخش‌های طبقه کارگر، صرف‌نظر از وابستگی حزبی یا سازمانی آن‌ها ضروری است.

«کمونیسم بین الملل برای وحدت عمل هیچ شرطی نمی‌گذارد به جز یکی، که آن هم شرط اولیه قابل قبول برای همه کارگران است، یعنی، وحدت عملی که علیه فاشیسم، علیه حمله سرمایه، علیه تهدید جنگ و علیه دشمن طبقاتی هدایت شده باشد.»

دیمیتروف در ادامه گفت: «دفاع بلافاصله از منافع اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر، دفاع از طبقه کارگر علیه فاشیسم، باید از نقطه شروع و مفاد اصلی جبهه متحد در همه کشورهای سرمایه داری باشد.»

دیمیتروف دربارهٔ ایدئولوژی فاشیسم گفت: «بسیاری از رفقاء قبول نداشتند ایدئولوژی بورژوازی که بسیار ارتجاعی و متنوع است مانند ایدئولوژی فاشیسم، که در حماقت خود غالباً به نقطهٔ جنون می‌رسد، هرگز بتواند نفوذ توده‌ئی کسب کند و این یک اشتباه بزرگ بود.»

دیمیتروف یک فصل کامل از گزارش خود را به نقش احزاب کمونیست در مبارزه علیه فاشیسم اختصاص داد. در استرالیا، این بخش همواره نادیده گرفته شده و اهمیت آن برای موفقیت یک جبههٔ متحد از طبقهٔ کارگر ناچیز شمرده شده است.

دیمیتروف اشاره نمود: «در مبارزه جهت ایجاد یک جبههٔ متحد، اهمیت نقش رهبری حزب کمونیست بشدت افزایش می‌یابد. تنها حزب کمونیست عمیقاً مبتکر، سازماندهنده و نیروی محرکهٔ جبههٔ متحد طبقهٔ کارگر است.» کمونیست‌ها باید «صفوف خود را از همه نظر مستحکم کنند.»

دیمیتروف در کار برای تشکیل جبههٔ متحد علیه فاشیسم، علیه اتخاذ گرایش‌های فرقه‌ئی هشدار داد. او گفت: «فرقه‌گرایی، با سرعت زیاد در جایی که موقعیت‌های اصلاح‌طلبی را می‌سازد، در تلاش جهت جهش از روی مراحل سخت و وظایف پیچیده جنبش، به ویژه عبارتی پیدا می‌کند. شیوهٔ رهبری توده‌ها در عمل اغلب با شکل رهبری توسط یک گروه تنگ نظر حزبی جای‌گزین می‌شود.»

دیمیتروف همچنین علیه خطر اپورتونیزم راست هشدار داد و گفت: «به همان نسبت که جبههٔ متحد گسترش می‌یابد، اپورتونیزم راست نیز افزایش می‌یابد.»

او اشاره نمود: «یک مبارزهٔ موفق جهت برقرار ساختن جبههٔ متحد ضرورتاً نیازمند مبارزهٔ دائم در صفوف ما علیه تمایلاتی است که به نقش حزب کم بها می‌دهد، علیه توهمات قانونی و علیه اتکاء به حرکات خودبه‌خودی و خودکار است.»

دیمیتروف گفت: «حزب باید یک حزب مبارز و انقلابی باشد، که قادر به رهبری توده‌های کار در مبارزه برای کسب قدرت باشد و بتواند با مشکلات پیچیده‌ای که پیش می‌آید، درست سمت‌گیری کند.»

مبارزه علیه فاشیسم در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۴۰ نتوانست مانع غوطه‌ور ساختن جهان در حمام خون جنگ جهانی دوم توسط نازی‌ها گردد. فقط با امتحان سخت جنگ بود که اتحادی به وجود آمد که به قیمت جان بیش از ۵۰ میلیون نفر، نازیسم را از طریق نظامی شکست داد.

برگرداننده شده از:

Guardian

The Workers' Weekly

Issue #1878 July 24, 2019

Editorial – Against fascism and war

<https://www.cpa.org.au/guardian/2019/1878/02-editorial.html>